

بررسی اهمیت و موانع اجرای مجازات جایگزین حبس در ایران

محسن جعفری^۱

چکیده

مجازات ها در دوران قدیم بسیار خشن و ظالمانه بودند. شدت و خشونت مجازات تا قرن هجدهم باقی بود و همچنان نیز در بعضی کشورها به همان شکل یا مختصر تغییری وجود دارد. حقوقدانان، جرم شناسان و کیفرشناسان تمام دنیا در مورد مجرمانی که به ارتکاب جرایم سبک به زندان محکوم می‌شدند به نقد و ارزیابی می‌پرداختند. حقوقدانان و جرم شناسان ایران نیز از این موضوع مستثنا نبوده و درصدد راه‌هایی برای جایگزین کردن مجازاتی به جای حبس برای چنین مجرمانی بودند؛ که سرانجام قانون‌گذار پس از بررسی‌های فراوان در این خصوص مجازات جایگزین حبس را در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲/۲/۱ به تصویب رسانید. صرف به تصویب رسیدن یک قانون به تنهایی مورد قبول نیست و در راستای اجرایی کردن هرچه مطلوب‌تر این قوانین، چالش‌ها و موانعی وجود دارند که باید به شناخت و بررسی آن موانع پرداخته شود و راهکارهایی برای رفع آن‌ها ارائه نمود. این تحقیق با هدف بررسی اهمیت و موانع اجرای مجازات جایگزین حبس در ایران به صورت مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است. با توجه به نتایج این تحقیق از جمله موانع اصلی برای اجرای مجازات جایگزین می‌توان به موانع فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اشاره کرد.

کلمات کلیدی: حبس، مجازات جایگزین حبس، موانع فرهنگی، موانع اقتصادی، موانع سیاسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

مجازات حبس، قدیمی‌ترین مجازات در نظام‌های کیفری امروزی است؛ زیرا بنا بر آنچه در قانون‌نامه‌های بازمانده از بین‌النهرین، حمورابی، اورنمو، مصر و کتاب‌های تاریخی ایران بیان شده است؛ این مجازات حتی در دوران باستان، هنگام حاکمیت مجازات بدنی نیز وجود داشته است. البته باید گفت که در این دوره مجازات حبس با اینکه به عنوان مجازات اصلی مخالفان سیاسی آن دوره و یا بدهکاران جریمه نقدی یا مالیات به کار می‌رفته، ولی در اغلب موارد مجازات فرعی و کمکی بوده که به منظور نگهداری متهمان منتظر صدور حکم و یا محکومان منتظر اجرای مجازات اصلی مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

در ایران، قانون‌گذار از همان سال‌های ابتدایی وضع قوانین کیفری، مجازات جایگزین حبس سنتی را مدنظر داشته و با وارد کردن مجازاتی از جمله آزادی مشروط، تعلیق و جزای نقدی در قانون، راه را برای تبدیل و یا تعلیق مجازات حبس هموار ساخت. در این زمینه از جمله می‌توان به این قوانین اشاره کرد: ماده واحدهای مصوب ۲۶ اردیبهشت سال ۱۳۰۷ کمیسیون عدلیه‌ی مجلس شورای ملی، ماده‌ی ۱۱ قانون مجازات عمومی اصلاحی خرداد ۱۳۵۲ و ماده‌ی ۳ قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب اسفند ۱۳۷۳. سرانجام قانون‌گذار پس از بررسی‌های فراوان در این خصوص مجازات جایگزین حبس را در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲/۲/۱ به تصویب رسانید. در رابطه با به تصویب رسیدن مواد مجازات جایگزین حبس، سخن آن است که صرفه تصویب رسیدن یک قانون به تنهایی مورد قبول نیست و امیدوارکننده نیست و چه بسا به موادی متروک تبدیل گردد. حال مسئله آن است که برای متروک نماندن این مواد و اجرایی کردن هرچه مطلوب‌تر این مواد، چه اقداماتی بایستی صورت گیرد. این تحقیق با هدف بررسی اهمیت و موانع اجرای مجازات جایگزین حبس در ایران به صورت مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است. در این تحقیق به توضیحی چند پیرامون حبس، ماهیت حبس، تاریخچه آن و موانع قرارگرفته بر سر راه اجرای مجازات جایگزین حبس پرداخته می‌شود.

مفاهیم نظری

تعریف حبس

حبس در لغت به معنای بازداشت، بند کردن، بستن، زندانی کردن و توقیف است. در اصطلاح کیفری، زندانی نمودن افراد مجرم پس از محکومیت است و در اصطلاح حقوق، سلب آزادی تن است از شخص در محل معین به مدت نسبتاً طولانی (اسدی، ۱۳۸۶، ص ۳۷).

ماهیت حبس

ماهیت کیفری: ماهیت کیفری حبس یعنی، محدودیت یا آزار روحی و تا اندازه‌ای جسمی که ذاتی این نوع کیفر است و نشان می‌دهد که حبس فرد یا سلب آزادی وی قبل از هر چیز دارای ماهیتی کیفر دهنده و به معنی کیفر کردن فرد است.

ماهیت حقوقی: این نوع ماهیت بسته به نوع نظام حقوقی و تعبیرهای پذیرفته‌شده در آن به صفات خاصی متصف می‌گردد و این صفات علی‌الأصول برای فردی که در آن زندان قرار می‌گیرد دارای بار حقوقی و آثاری می‌باشد. مثال بارز این امر تقسیم‌بندی کیفر حبس در دوران قبل از انقلاب اسلامی به حبس جنایی، جنحه ای و خلافی با درجات مختلف بوده است و در حال حاضر مانند حبس از نوع تعزیری و حدی می‌باشد (حاجی تبار فیروز جایی، ۱۳۸۶، ۱۷).

ماهیت اجبار کنندگی و سلب آزادی: در این مورد فرد محکوم به، مجازات نشده تا به عنوان کیفر، آزادی‌اش سلب گردد و به همین دلیل از شمول عناوین حقوقی مذکور در دسته دوم نیز خارج می‌شود. این حالت مربوط به فردی است که محکوم به پرداخت یا استرداد وجه یا مالی گردیده و بایستی کفیل یا وثیقه‌ای معرفی نماید؛ ولی قادر یا مایل به آن نیست؛ به همین دلیل به علت عجز از معرفی کفیل یا وثیقه به زندان معرفی می‌گردد و تا معرفی نکردن کفیل یا وثیقه و یا گذشت شاکی یا ذی‌نفع هم چنان در زندان باقی می‌ماند؛ که این نوع به زندان رفتن را، زندانی شدن تحت اجبار نام‌گذاری کرده‌اند (حاجی تبار فیروز جایی، ۱۳۸۶، ۱۸). آنچه در این پژوهش مدنظر است؛ ماهیت کیفری حبس است.

تاریخچه حبس در ایران

با اینکه راجع به وضع زندان‌های ایران در دوران باستان اسناد و مدارکی در دست نیست؛ اما آنچه مسلم است در قلعه‌ها، زندان‌هایی بنا می‌شد و پادشاهان و حکمرانان، مخالفان خود را در آنجا زندانی و سپس به وضع فجیع از بین می‌بردند. حبس جزء مجازات نبود بلکه وسیله‌ای برای از میان بردن بی سر و صدای اشخاص بلند مرتبتی بود که وجودشان برای کشور و یا پادشاه خطر داشت.

پس از فتح مسلمانان نیز هر حاکم و صاحب نفوذ در حوزه قدرت خود، محلی را برای حبس کردن افراد بنا نموده و متهمان را در آنجا نگهداری می‌کرد. زندانیان وضع رقت باری داشتند.

قدیمی‌ترین زندان بزرگ در تهران، زندانی به نام انبار شاهی بود که زیر نظر حاجب الدوله (رئیس تشریفات) اداره می‌شد. غذای زندانیان بسیار ناچیز بود. مردم به‌عنوان نذر، گاهی از سوراخ زندان غذا و خوراکی برای زندانیان می‌انداختند. اصلاح سر و صورت، حمام و نظافت وجود نداشت. زندانیان ده الی چهارده نفری به وسیله زنجیری که دارای طوق‌های متعدد آهنی بود به هم متصل می‌شدند و انتهای زنجیر را از سوراخ درب اطاق زندان به خارج برده و به وسیله میخ آهنی بزرگی مانند افسار به زمین می‌کوبیدند. در سال ۱۲۹۲ شمسی، دولت ایران به منظور سروسامان دادن به وضع

نظمیه (شهربانی) کشور، عده‌ای مستشار از کشور سوئد استخدام کرد. مستشاران سوئدی ابتدا نظام نامه محابس (آئین‌نامه زندان‌ها) را تهیه کردند که در سال ۱۲۹۸ شمسی به تصویب هیئت دولت رسید. در این آئین‌نامه، زجر بدنی و زنجیر کردن زندانیان ممنوع گردید. در دوره سرتیپ درگاهی رئیس شهربانی وقت، نظامنامه تشکیلات محابس و توقیفگاه‌ها و وظایف مأموران و مستخدمان آن‌ها تهیه و در ۳۱ شهریورماه ۱۳۰۷ شمسی به تصویب هیئت وزیران رسید. در همان سال، نظامنامه (آئین‌نامه) اجرای حکم اعدام نیز تصویب و به مورد اجرا گذارده شد. در سال ۱۳۰۸ شمسی، اولین زندان ایران (زندان قصر) جهت نگهداری ۶۰۰ نفر محکوم بنا گردید. پس از شهریور ۱۳۲۰ تحت تأثیر علل ناشی از جنگ جهانی دوم، به تعداد بزهکاران ایران مانند اکثر کشورهای جهان افزوده شد و زندان‌ها را با کمبود جا مواجه ساخت. در ۲۱ مهرماه ۱۳۴۷ اولین آئین‌نامه زندان‌ها با توجه به اصول علم زندان‌ها به تصویب رسید و در سال ۱۳۵۴ آئین‌نامه مذکور اصلاح شد؛ لکن به علت عدم امکانات، اکثر مفاد آن اجرا نگردید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ تغییرات اساسی در ایران به وجود آمد. از جمله آن تغییرها، تغییر در زندان‌های کشور بود، در تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۳۶۱ آیین‌نامه زندان‌ها تحت عنوان آیین‌نامه امور زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور جمهوری اسلامی ایران در جلسه ۲۳۷ شورای عالی قضایی تصویب و به مورد اجرا گذارده شد و تاکنون نیز باقی است (دانش، ۱۳۶۸، ۱۴۸-۱۵۲).

تعریف مجازات جایگزین حبس

مجازات جایگزین حبس، مجازاتی هستند که میان حبس و آزادی مشروط قرار دارند و در حقیقت نه سلب‌کننده آزادی‌اند و نه آزادی، از این‌رو مجازات بینابین نیز خوانده می‌شوند (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۴۸). مارک آنسل مجازات جایگزین حبس را مجازاتی تعریف می‌کند که برای اجتناب از آثار و عواقب زیان‌بار کیفر حبس پیش‌بینی شده‌اند (حاجی تبار فیروز جانی، ۱۳۸۶، ص ۷۴). تعریف آنسل از مجازات جایگزین حبس، در راستای موانع مجازات جایگزین و برقراری راهکارها و در آخر رسیدن به هدف برقراری مجازات جایگزین حبس که دوری از آثار زیان‌بار حبس است؛ می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد این تعریف در این پژوهش کارایی بیشتری داشته و موردپسند بیشتری است.

اهداف مجازات جایگزین حبس هدف مجازات، تنها برقراری تعادل اجتماعی و تنبیه خطای اخلاقی ارتكابی به لحاظ عدم رعایت وظایف اجتماعی و ارضای افکار عمومی نگران و منزجر نیست؛ بلکه باید هر مجازات، آن‌طور انتخاب و اجرا شود که برای دیگران عبرتی باشد و کارکرد پیشگیرانه سودمندی را نیز ایفا کند. مجازات باید کمک کند تا جرمی که به وقوع پیوسته، چه توسط خود مجرم و چه توسط سایر شهروندان تکرار نشود (بولک، ۱۳۸۶، ص ۳۱). آن چه مجازات در اسلام بر آن مبتنی

است، عبارت است از اصلاح و تربیت بزهکار و رحمت و احسان به او و جامعه و با اندکی تأمل در مجازات جایگزین به این نتیجه می‌رسیم مجازات مزبور نیز درصدد همین نتیجه است (قربان نیا، ۱۳۷۷، ۴۳۳). فوریت و قاطعیت در اجرای مجازات، لازمه دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده برای مجازات است.

بکاریا معتقد است که هدف مجازات به هیچ وجه آزار رساندن و رنجاندن بزهکار نیست، بلکه نخست بازداشتن او از زیان رساندن دوباره به دیگران است و در خلال آن بازگرداندن دیگران از راهی است که تازه در آن گام نهاده‌اند (اردبیلی، ۱۳۸۴، ص ۲۶). اساس و جوهر ضمانت اجراهای اجتماعی مبنی بر این است که بزهکار ملزم به اجرای برخی وظایف و تعهداتی گردد که منجر به اجتماعی شدن مجدد او شود و از آنجایی که مجازات جایگزین، هدف اصلاح و درمان مجرمان را سرلوحه کار خود قرار داده است؛ باید به عنوان نظامی جدید از مجازات در کنار سایر مجازات و نیز مجازات حبس قرار گیرد تا هم اجرای مؤثرتری داشته باشد و هم هدف خود را با کارایی کامل محقق سازد (عابدی نژاد مهرآبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱). مجازات جایگزین حبس، برخلاف مجازات زندان، هدف‌های متنوعی را برآورده می‌کند. این مجازات تک بعدی نیست بلکه ابعاد مراقبتی سزا دهی، اصلاح و درمان را دنبال می‌کند. چندانکه بودن این اهداف سبب می‌شود تا نظام عدالت کیفری نرمش پذیرتر شده و در صورت باز ماندن از یک هدف به هدف دیگر خود دست پیدا کند (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴، ص ۱۳). به نظر می‌رسد از آن جهت که مجازات حبس نتوانسته اهدافی از قبیل بازپذیرسازی اجتماعی مجرم، اصلاح و درمان و بازدارندگی را برآورده نماید؛ دارای مخالفانی است که معایبی را برای آن برشمرده‌اند. حال اگر مجازات جایگزین حبس بتواند به اهداف مزبور جامعه عمل ببوشاند در این مسیر موفق خواهد بود.

موانع اجرای مجازات جایگزین حبس

موانع فرهنگی

در هیچ جامعه‌ای نمی‌توان انتظار جهت‌گیری کاملاً موافق با قانون را داشت. همیشه بخشی از جامعه با قوانین موجود مخالفت می‌ورزند یا به گونه‌ای عمل می‌کنند که پیامد آن نقض اجرای قانون است؛ اما بایستی توجه داشت که میزان چنین جهت‌گیری‌هایی نباید زیاد باشد (رضایی، ۱۳۸۴، ص ۶۲). چنانچه گفته می‌شود طراحی و تدوین و گذار از مراحل تصویب قانون یک روی سکه‌ی کیفرهای اجتماعی است و روی دیگر آن فرهنگ عمومی کشور، ویژگی‌های مردم شناسانه‌ی مردم، خصیصه‌های ملی، ذهنیت‌ها و نگرش‌های تاریخی مردم به بزه، قانون‌شکنی و کژمداری دستگاه عدالت و کیفرهاست (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴، ص ۱۶). توسعه‌ی فرهنگی در جوامع همواره با مشکلاتی بر سر راه خود مواجه بوده و این امر اختصاصی به کشور ایران ندارد؛ بلکه همه‌ی کشورها

کم‌وبیش با این موانع روبه‌رو بوده‌اند. در این گفتار به بررسی دو مانع الف) قضاات سنت‌گرا و ب) نگرش‌حبس‌گرایانه مردم از موانع فرهنگی مجازات جایگزین حبس می‌پردازیم.

الف) قضاات سنت‌گرا

قضاات نقش عمده‌ای در اعمال مجازات جایگزین حبس دارند به‌گونه‌ای که اگر کامل‌ترین و جامع‌ترین قانون مدون در اختیار عاملین بی‌تدبیر قرار گیرد، امکان اجرا و بهره‌برداری صحیح و مطلوب از قانون متصور نخواهد بود و خود، سبب ناهنجاری‌های دیگری در اجتماع می‌گردد (بختیاری، شهری، مظفری، حمیدیان، ۱۳۸۱، ص ۲۹). به‌طور کلی تعیین مجازات توسط قاضی در دو مرحله کاملاً مجزا صورت می‌گیرد. مرحله اول بر مبنای سزا دهی است، زمانی که فردی مقصر اعلام شد قاضی نوع و درجه جرمش را مطابق معیارهای تشخیص شدت جرم تعیین می‌کند. مرحله دوم در تعیین مجازات مربوط به مواردی همچون شخصیت فردی، وضعیت خانوادگی، امید به اصلاح و هر آنچه برای اهداف فایده‌گرایی مجازات لازم است در نظر گرفته می‌شود. غیر از انتخاب میزان مجازات، قانون‌گذار امکانات دیگری را نیز برای فردی کردن مجازات از جمله مجازات جایگزین حبس که خود از نهادهای نوظهور است در اختیار قاضی قرار می‌دهد (یزیدیان جعفری، ۱۳۹۱، ص ۲۹۷). به عبارتی نقش قضاات در اجرای قانون به حدی است که می‌توانند یک قانون را متروک نموده یا با تسری یک قانون به مواردی که در زمان وضع آن قانون اصلاً وجود خارجی نداشته است در عمل اقدام به جرم‌انگاری کنند. به حسب جرایم ارتكابی و بزه‌کاران، ابزارها و وسایلی که به کار برده می‌شوند متفاوت هستند. گاه نرمش بهتر موفق می‌شود و گاه شدت عمل و سخت‌گیری. برخی قضاات این نگرش را دارند که شدت عمل و سخت‌گیری بر تحول حجم و نرخ بزهکاری اثر دارد؛ لذا مجازات حبس را که نسبت به مجازات جایگزین حبس سخت‌گیرانه‌تر است مناسب دانسته و بیشتر به صدور مجازات حبس تمایل دارند (بولک، ۱۳۸۶، ص ۳۲ و ۳۳).

قضاات سنت‌گرا طرفدار اعمال مجازات سخت و خشن هستند و در مقابل آنان، نواندیشان حقوق که طرفدار اجرای کیفرهای اجتماعی هستند؛ قرار دارند و از آنجاکه این سنت‌گرایان در اکثریت‌اند این خود در اجرا مشکل را دو چندان می‌کند (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴، ص ۱۶). حبس‌گرایی قضاات سنت‌گرا، از عوامل مختلفی چون نظام آموزشی کیفری گذشته در دانشکده‌های حقوق و پایین بودن میزان و سهم یافته‌های علوم جنایی تجربی در این نظام ناشی شده است (عابدی نژاد مهرآبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۶).

از دلایل نگرش‌های حبس‌گرایانه قضاات کشور، اطمینان نداشتن آن‌ها به سودمند بودن مجازات جایگزین حبس است. در پاره‌ای موارد قضاات به علت آموزش‌های خاصی که در رابطه با مجازات سالب آزادی در دانشگاه‌ها یا حوزه‌ها دیده‌اند و ارزش و اعتباری که برای مجازات خشن یا سالب آزادی قائل‌اند، اطمینانی به سودمند بودن و اثربخشی مجازات جایگزین ندارند (آشوری، ۱۳۸۲، ص

۴۷). قضات موافق این نظر هستند که با اجرای مجازات سالب آزادی، مرتکب برای مدتی از جامعه طردشده و خطر او برای جامعه از بین می‌رود و در این صورت نظم عمومی که به وسیله ارتکاب جرم او از بین رفته بود، برای اجتماع اعاده می‌شود. همچنین بر این باورند که محکومان به مجازات حبس، تحت روش‌های اصلاحی خاص قرار می‌گیرند و در طول اقامت زندان به افرادی قانون‌پذیر و اجتماعی تبدیل می‌شوند و هدف اصلاح و باز اجتماعی کردن مرتکب محقق می‌گردد (حاجی تبار فیروز جانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱). به عبارتی اطمینان به بازدهی مجازات حبس همچنان در میان قضات پابرجاست اما به نتایج مجازات جایگزین حبس اطمینان چندانی ندارند؛ که این خود سبب می‌شود تا قضات به اعمال این گونه مجازات تمایلی نشان ندهند و در نتیجه مجازات جایگزین کمتر به کار برده شود.

ب) نگرش‌های حبس گرایانه عامه مردم

یکی از علل صدور احکام حبس، نشات گرفته از عقاید مردم است؛ زیرا توده‌ی مردم اغلب تمایل به کیفرهای سخت و خشن دارند و حبس را برای مجرمان ضروری می‌دانند؛ از این رو دادگاه‌ها نیز تحت تأثیر همین عامل به حبس هرچه بیشتر محکومان مبادرت می‌ورزند (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۴۸). لذا نگرش‌های مجازات گرایانه ی مردم و از میان مجازات، تفکرات حبس محور آن‌ها سبب عدم پذیرش یا پذیرش کمتر مجازات جایگزین حبس می‌شود. مجازات جایگزین حبس در بسیاری از کشورها اعتماد عمومی را جلب نمی‌کند و در نظر مردم مجازاتی سبک و غیرواقعی قلمداد می‌شود (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴، ص ۲۷). مردم انتظار دارند همین که فردی در دستگاه عدالت کیفری، مورد تعقیب قرار گرفت، به اشد مجازات معینه برای ارتکاب آن جرم محکوم شود و اگر با نتیجه‌ای غیر از این مواجه شوند دستگاه قضا را به تسامح و تساهل یا فساد و بی‌توجهی به حقوق اجتماع متهم می‌کنند و همین عامل نیز سدی بر سر راه اعمال مجازات جایگزین حبس است.

البته در مقابل این سخنان باید گفت که به‌طور قاطع نمی‌توان گفت که مردم نگرش حبس محور دارند و مسئول این نگرش نیز خودشان هستند زیرا در حقیقت ترجمان خواسته‌های جامعه چنین است که آن‌ها نمی‌خواهند بار دیگر شاهد تکرار جرم باشند و کسی حقوق قانونی آن‌ها را زیر پا بگذارد (بختیاری و دیگران، ۱۳۸۱، ۴۳). در نتیجه فکر می‌کنند که این عدم تکرار تنها به‌وسیله‌ی مجازات حبس امکان‌پذیر است و خواستار مجازات حبس می‌گردند.

از دلایل نگرش حبس گرایانه مردم، فقدان علم و آگاهی به وجود قوانین و مقررات است. برای این که قانونی در جامعه اجرا شود باید اعضای جامعه نسبت به آن شناخت و آگاهی کافی داشته باشند؛ یعنی شناخت، قدم اول برای اجرای قوانین و مقررات است (دانایی فرد و صالحی، ۱۳۸۸، ص ۲۴). در جامعه ما، مردم نسبت به مجازات جایگزین حبس و برتری آن نسبت به مجازات حبس آگاهی کافی ندارند و این مجازات را نمی‌شناسند و این عدم آگاهی برای تمام مصادیق مجازات جایگزین حبس

وجود دارد. در صورتی که هنگامی که نام مجازات بر زبان می‌آید، مجازات حبس اولین مجازاتی است که در ذهن همه افراد تداعی می‌شود و این ناشی از شناخت کامل مجازات حبس است که سبب می‌شود نگرش افراد نیز حبس محور شود؛ این خود سبب مانعی بر سر راه اجرای مجازات جایگزین حبس است.

موانع اقتصادی

کاربرد اقتصاد برای تدوین قوانین و مقرراتی که از نظر اقتصادی کارا باشند و همچنین برای پیش‌بینی قوانین و مقرراتی در رابطه با حقوق جزا که در آینده تدوین خواهد شد استفاده می‌شود (فریدمن، ۱۳۸۰، ص ۴۳). در این که زندان نتوانسته است در اصلاح مجرمان نقش مهمی داشته باشد شکی نیست؛ چرا که بیش از آن که مشکلات اخلاقی، اجتماعی، روانی و اقتصادی مجرمان را حل نماید همچنان بر آن افزوده است (تدین، ۱۳۸۷، ص ۵۶). در نتیجه می‌توان گفت که حذف و یا کم کردن مجازات زندان و جایگزین کردن مجازات دیگر به جای آن، به مراتب در طول زمان، مشکلات این چینی را کاهش می‌دهد. زمانی همه کیفرها نقدی بوده است. جرایم افراد منشاء دارایی زمامداران به شمار می‌آمد و لطمه به امنیت عمومی امری سودآور بود (بکاریا، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲)؛ اما در حال حاضر و با گذشت زمان موارد دیگری به غیر از جزای نقدی هم چون خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه و... به وجود آمده است که از آن‌ها نیز می‌توان هم به عنوان مجازات و هم به عنوان امری سودآور استفاده نمود. در این فصل آن چه خواهد آمد مربوط است به بررسی تعریف اقتصاد، عناصر اقتصادی مؤثر در مجازات جایگزین حبس، موانع اقتصادی اجرای مجازات جایگزین حبس، راهکارهای رفع موانع مزبور و رابطه‌ای که مجازات جایگزین حبس با محکومیت‌های مؤثر دارند. در رابطه با اجرای مجازات جایگزین حبس، یکی از زمینه‌هایی که بایستی مورد مطالعه دقیق قرار بگیرد، شناسایی مشکلات و موانع اقتصادی است که بر سر راه اجرای مجازات جایگزین حبس وجود دارد تا بر اساس آن‌ها بتوان در رفع مشکلات مزبور گام برداشت. مجازات جایگزین حبس، با وجودی که از نظر اقتصادی مقرون به صرفه هستند و در مواردی برای دولت منافع اقتصادی به همراه دارند اما باز هم همواره با مشکلات اقتصادی از قبیل فقدان سرمایه‌گذاری در مجازات جایگزین حبس، هزینه کردن جهت افزایش تعداد کارمندان مناسب و لایق، نقصان ارگان‌های قضایی وارد کردن تجهیزات و تکنولوژی مجازات جایگزین حبس از کشورهای توسعه‌یافته، معضل بیکاری و مشکل مسکن وجود دارد که در ذیل به‌طور مفصل به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

الف) فقدان سرمایه‌گذاری در مجازات جایگزین حبس

از موانع سرمایه‌گذاری می‌توان به نارسایی قوانین و مقررات موجود و تغییرات پی‌درپی آن‌ها اشاره کرد. سرمایه‌گذاری، ابزار قانونی مناسب خود را می‌طلبد. امروزه حمایت از سرمایه‌گذاری جنبه

فراملی یافته و وجود یک سلسله قوانین و مقررات روشن و شفاف و لزوم حمایت از سرمایه و جبران خسارت وارد به آن از اصول اولیه این امر مهم و اساسی است. نارسایی قوانین و مقررات موجود در ایران از یک سو، نبود قوانین و قواعد فراملی حاکم بر تجارت بین‌المللی و بالاخره تفاسیر متفاوت از برخی اصول قانون اساسی و وجود اختلاف عقیده و اختلاف مشی سیاسی اقتصادی از جمله موانع سرمایه‌گذاری به حساب می‌آید (اخلاقی، ۱۳۷۹، ص ۱۰).

ب) فقدان نیروی انسانی مناسب

هریک از جایگزین‌های زندان مستلزم اشکالی از نظارت هستند. مجازات خدمات عمومی رایگان بایستی سازمان‌یافته و تحت نظارت باشد. باید مراکز کارآموزی تأسیس کرده و برای این مراکز کارمند استخدام نمود. در اغلب کشورهای غربی کارمندان سازمان‌های مجری این طرح، کسانی هستند که تجربه مددکاری اجتماعی دارند. کار این افراد ایجاب می‌کند که در مقام مأمور دادگاه عمل کنند و قانون را بشناسند (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴، ص ۵۹). در دوره مراقبت، برای مقرر کردن دستورها و تدابیر محکوم و نظارت بر اجرای تعهدات او نیاز به مددکار اجتماعی هست. همچنین در مجازات جزای نقدی و جزای نقدی روزانه جریمه‌ها بایستی جمع‌آوری شوند و شخصی مسئول جمع‌آوری جریمه‌ها باشد. لذا به کارمندانی لایق نیاز است.

ج) نقصان نهادهای قضایی

در قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری، در خصوص نهادهای قضایی مرتبط با مجازات جایگزین حبس کاستی‌هایی دیده می‌شود، به‌طوری‌که اگر این نهادها وجود داشته باشند هم مجازات جایگزین حبس با سرعت و سهولت بیش‌تری اعمال می‌شود و هم موانع و مشکلات اجرایی مجازات جایگزین حبس کمتر می‌شوند. در فرانسه این گونه است که قضات اجرای مجازات جایگزین حبس، هم در قبولاندن این مجازات به مراجع محلی و بخش داوطلب فعال هستند و هم بر اجرای این مجازات نظارت مستمر دارند (عابدی نژاد مهرآبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴).

د) وارد کردن تجهیزات و تکنولوژی مجازات جایگزین حبس از کشورهای توسعه‌یافته به

کشور خود

کشوری مانند ایران که می‌کوشد تا پیشرفته‌ترین ابزارهای تولیدی را از کشورهای توسعه‌یافته وارد کند نه تنها در زمینه تولید تکنولوژی به توسعه‌یافتگی نخواهد رسید بلکه این عمل خود مانع بزرگ اقتصادی بر سر راه توسعه اقتصادی است، چرا که تکنولوژی اگر درون‌زا باشد کشوری را به توسعه اقتصادی می‌رساند نه تکنولوژی وارداتی (توانایان فرد، بی تا، ص ۵).

اگر بخواهیم در بین مصادیق مجازات جایگزین حبس، به بررسی این مانع بپردازیم باید بگوییم تنها در دوره مراقبتی است که این مانع احساس می‌گردد زیرا مجرم به وسیله نظارت الکترونیکی کنترل می‌گردد و نظارت الکترونیکی مستلزم وجود تجهیزات الکترونیکی است. از آنجایی که ایران برای

اجرای این نوع مجازات با فقدان یا کمبود تجهیزات الکترونیکی مواجه است، مجبور به واردات آن‌ها می‌شود که در واردات نیز با مشکلاتی مواجه است؛ که به عنوان نمونه به دو مورد از این اشکالات اشاره می‌کنیم:

۱) در صورت هماهنگی آن مجازات با کشور واردکننده، کشورهای مزبور به علت ناآشنایی با تکنولوژی وارداتی سبب ائتلاف منابع تولید و کاهش محصول ملی یعنی تقلیل رشد اقتصادی می‌شوند (توانایان فرد، بی تا، ص ۶)؛ یعنی وارد کردن آن ابزار در کشور سبب می‌شود که در زمینه تولید آن ابزار به توسعه اقتصادی نرسیم.

۲) در صورت وارد کردن آن ابزار از خارج، به محض نقص یک قسمت از آن‌ها کلیه ابزار مذکور بیکار می‌افتد و بایستی برای تعمیر و در اختیار گذاردن لوازم یدکی آن‌ها توسط صادرکنندگان دوباره اقدام کرد.

ه) معضل بیکاری

یکی از موانع دیگر اجرای مجازات جایگزین حبس کمبود اشتغال است؛ چرا که وقتی در جامعه‌ای وضعیت اقتصاد نامناسب باشد به همان میزان اشتغال ورزی برای عامه مردم کمتر شده و به طریق اولی برای محکومان به مجازات جایگزین حبس (خدمات عمومی رایگان) نیز شغلی وجود نخواهد داشت. کمبود اشتغال سبب خواهد شد تا مجرمانی که محکوم به حبس می‌گردند فرصتی برای انجام فعالیتی به جای تحمل مجازات حبس نخواهند داشت. همچنین مجرم هنگامی که به جزای نقدی یا جزای نقدی روزانه محکوم می‌گردد و فرصت‌های شغلی در جامعه وجود نداشته باشد، وی توان پرداخت جزای نقدی را نداشته که در صورت عجز از پرداخت آن مجازات حبس به اجرا در خواهد آمد.

و) مشکل مسکن

نداشتن مسکن یکی دیگر از مشکلات امروز جامعه است که نشأت گرفته از وضع اقتصادی نامناسب است. این مشکل در میان افراد کارتن خواب و در کلان شهرها و در فصل‌های سرد سال بیشتر به چشم دیده می‌شود. به این صورت که برای فرار از مشکل فراهم کردن مسکن و سرمایه‌ها با ارتکاب جرم، قصد سپری کردن مدتی را در زندان جهت تأمین سرپناه دارند.

موانع سیاسی

در کنار چالش‌ها و موانع فرهنگی و اقتصادی که برای اجرای مجازات جایگزین حبس برشمرده شد، علت عدم استفاده از مجازات جایگزین حبس را می‌توان سیاسی نیز دانست. در این خصوص موانعی از جمله ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی آشتی‌ناپذیر، ضعف حکومت‌ها و اعمال مجازات شدید برای جبران آن، عدم دموکراسی، انتخابات، سیاست کیفری سخت‌گیرانه غیرعلمی، عوام‌گرایی کیفری و

ترس از به مخاطره افتادن امنیت مردم در جامعه را می‌توان در زمره موانع سیاسی اجرای مجازات جایگزین حبس نام برد.

الف) ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی

در ایران، سیاست را بیشتر به معنای چگونگی از میدان به در بردن رقبا و مخالفان می‌دانند تا به معنای چگونگی جلب همکاری و ایجاد آشتی و سازش برای حسن اداره امور جامعه و این نگرش به این دلیل است که فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، در معرض گرایش‌های نوین قرار نگرفته و تحول نیافته است (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳). این اندیشه وجود دارد که مجازات حبس از طریق نگاه‌داشتن مجرمان در زندان، نظم و امنیت بیشتری را در جامعه حاکم می‌کند و برای آن‌ها قدرت بیشتری به همراه می‌آورد؛ به همین دلیل نسبت به مجازات جایگزین حبس که سبب می‌شود مجرمان در جامعه آزاد و رها باشند نگرشی منفی دارند. اگر هیات حاکمه و افراد جامعه باور کنند و به این درجه از پذیرش برسند که مجازات جایگزین حبس، برخلاف مجازات حبس که کینه‌توزی عداوت نسبت به دولت و افراد را به دنبال دارد، سبب همکاری و صلح و سازش بیش‌تری خواهد شد؛ در این صورت منتظر نماینده یا مجری قانونی می‌شوند تا آن شخص در اجرای قانون و مجازات، نگرش مثبتی نسبت به مجازات جایگزین حبس داشته باشد.

ب) سیاست کیفری سخت‌گیرانه غیرعلمی

سخت‌گیری کیفری عمدتاً در سیاست‌گذاری در خصوص جرایم جنسی، خشونت‌آمیز، مرتبط با مواد مخدر و بزهکاری نوجوانان متجلی می‌شود و در ایران علاوه بر موارد فوق درحوزه مبارزه با جرایم اقتصادی و امنیتی نیز نفوذ کرده است (طاهری، ۱۳۹۲، ص ۵۹). سخت‌گیری بر دو نوع است: ۱- سخت‌گیری کیفری علمی مبتنی بر مطالعات جرم‌شناسانه و داده‌های آماری ۲- سخت‌گیری سیاست زده و غیرعلمی. سیاست کیفری سخت‌گیرانه در بعد علمی، بر پایه نظریات علمی و انتقادهای وارد بر نظام اصلاح و درمان و کارایی برنامه بازپروری و ابزار آن یعنی زندان، در راستای تحقق رسالت سزا دهی کیفر شکل گرفته است. از این به بعد از سخت‌گیری کیفری، تحت عنوان عدالت استحقاقی یاد می‌کنیم. عده‌ای از حقوقدانان می‌گویند که این سخت‌گیری نیست؛ بلکه سخت‌گیری به معنای افراط و عدم تناسب و چیزی بیش از تعیین مجازات بر مبنای عدالت استحقاقی است. از این جهت عدالت استحقاقی در زمره رویکردهای سخت‌گیرانه نام برده می‌شود که با کنار گذاشتن تدابیر اصلاحی و درمانی در نهایت با اعمال مجازات ثابت مثل زندان به سخت‌گیری منجر می‌شود و به دلیل مبتنی بودن آن بر نظریات علمی و ضابطه‌مند بودن آن به واسطه اصل تناسب جرم و مجازات به عنوان سخت‌گیری علمی از آن یاد می‌شود؛ اما سیاست کیفری سخت‌گیرانه در بعد غیرعلمی مبتنی بر جهت‌گیری‌های سیاسی، بازتاب جرایم در رسانه‌ها به جای مطالعه آماری آن و قائل شدن نقش اساسی برای افکار عمومی است و تحت عنوان سخت‌گیری کیفری عوام‌گرا یا سیاست زده مطرح شده

است (طاهری، ۱۳۹۲، ص ۱۶ و ۱۷). در هر دو نظام سخت‌گیری کیفری علمی و سخت‌گیری کیفری غیرعلمی بهتر است که مفهوم سخت‌گیری را مطلق ندانسته بلکه نسبی بدانیم؛ در این صورت مجازات حبس نسبت به جایگزین حبس سخت‌گیرانه خواهد بود. البته در کشور ایران، در مراحل تقنین امر سخت‌گیری کیفری کاهش پیدا کرده است زیرا وجود مجازات جایگزین حبس در قانون، نشان از کاهش سخت‌گیری کیفری در مرحله تقنین دارد اما در مراحل اجرا هنوز مشکلاتی وجود دارد.

ج) عوام‌گرایی کیفری

نفوذ عوام‌گرایی در حوزه عدالت کیفری را سیاست کیفری عوام‌گرا گویند؛ یعنی نظریات عوام، وارد حوزه سیاست کیفری می‌شوند. عوام‌گرایی کیفری به عنوان وصفی برای برچسب زدن به سیاستمدارانی که سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه غیرعلمی را اتخاذ می‌کنند به کار برده می‌شود (طاهری، ۱۳۹۲، ص ۲۰ و ۱۳۳). ریشه‌ی عوام‌گرایی را می‌توان این گونه پنداشت که هر چه می‌گذرد مردم کمتر حاضرند حل مسائل از جمله مسایل بغرنج کیفری را به اساتید فن محول کنند. در نتیجه مردم از سازمان‌ها یا سیاستمداران عوام‌گرایی حمایت می‌کنند که ظاهراً به نفع آن‌ها سخن می‌گویند و برای حل معضل جرم و سایر مشکلات، راه‌های ساده‌ای را ارائه می‌دهند. اگر سیاستمداران به نفع مردم سخن بگویند مورد حمایت مردم واقع می‌شوند و اگر به نفع مردم سخن نگویند بی‌اعتمادی به سیاستمداران و رویه‌های سیاسی به وجود می‌آید. از آنجایی که تفکرات مردم منفعت، در مجازاتی همچون حبس نهادینه شده است و مجازات جایگزین حبس را به عنوان مجازات قبول ندارند؛ در نتیجه از سیاستمدارانی حمایت خواهند کرد که طرفدار مجازات حبس باشند. این چنین است که نظریات عامه مردم وارد سیاست کیفری شده و سبب خواهد شد تا مانعی بر سر راه اجرای مجازات جایگزین حبس قلمداد گردد.

د) ترس از به مخاطره افتادن امنیت مردم در جامعه

امنیت مفهومی چند وجهی دارد. امنیت بر رهایی از ترس و احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارد (صالحی امیری، ۱۳۸۸، ص ۵۶). اثر مثبت مجازات را به‌طور کلی نمی‌توان منکر شد و وقتی خطایی انجام می‌گیرد و خطاکار مجازات می‌شود، خود به خود باعث ایجاد آرامش و آسایش و امنیت در جامعه و برای مردم می‌گردد. چنانچه در جامعه جرمی اتفاق بیفتد ولی مرتکب آن مجازات نشود مردم احساس عدم امنیت می‌نمایند زیرا در چنین مواردی طبیعی است تصور شود که جرم مزبور یا جرایم دیگر هم احتمال رخ دادن دارند ولی مجریان قانون، یعنی قوای امنیتی و قضایی قادر به تعقیب و مجازات مرتکب نیستند. به هر حال اگر چنین امری در طول زمان تکرار شود، یعنی جرم واقع شود ولی مرتکبان مجازات نشوند این امر می‌تواند ایجاد ناامنی کرده و اقتدار نظام را زیر سؤال ببرد (صفاری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱).

نتیجه گیری

در گذشته زندان به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین ابزار دفاع اجتماعی در مبارزه با بزهکاری و دور نگه‌داشتن مجرمان از اجتماع بوده است اما با گذشت زمان و تجربه منفی استفاده صرف از مجازات حبس، این نتیجه به دست آمد که در برخی از جرایم و مجرمین می‌توان از مجازات جایگزین حبس استفاده نمود. حقوقدانان و جرم‌شناسان ایران نیز از این موضوع مستثنی نبوده و درصدد راه‌هایی برای جایگزین کردن مجازات‌هایی به جای حبس برای چنین مجرمانی بودند؛ صرف به تصویب رسیدن یک قانون به تنهایی مورد قبول نیست و در راستای اجرایی کردن هرچه مطلوب‌تر این قوانین، چالش‌ها و موانعی وجود دارند که باید به شناخت و بررسی آن موانع پرداخته شود و راهکارهایی برای رفع آنها ارائه نمود. با توجه به نتایج این تحقیق از جمله موانع اصلی برای اجرای مجازات جایگزین می‌توان به موانع فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اشاره کرد. در نهایت همان‌طور که گفتیم یکی از عللی که مانع اجرای مجازات جایگزین حبس است، ترس از به خطر افتادن نظم و امنیت مردم جامعه است؛ یعنی در صورتی که افرادی که برای آن‌ها مجازات جایگزین صادر می‌شود افراد شرور، محل امنیت و ثبات سیاسی جامعه باشند یا مرتکب جرایم اقتصادی مثل ارتشاء و اختلاس، یا جرایم همراه با عنف و آزار مثل تجاوز به عنف و... شده باشند؛ ترس و بی‌امنیتی بر جامعه حاکم می‌شود، اما اگر برای مجرمان این جرایم، مجازات جایگزین صادر نشود جامعه به دستگاه قضا اطمینان حاصل می‌کند. ایجاد امنیت در جامعه بیش از همه به قانونمندی وابسته است؛ یعنی اگر افراد جامعه به قانون پایبند باشند این خود سبب برقراری امنیت می‌گردد و نیاز نیست که برای برقراری امنیت صرفاً به مجازات حبس و قوانین سخت و خشن متوسل شد. در نتیجه به نظر می‌رسد که برای برقرار کردن امنیت مردم در جامعه می‌توان از وجود مجازات جایگزین حبس نیز بهره جست؛ یعنی اگر در جامعه‌ای در مقابل جرایم سبک، مجازات جایگزین حبس اعمال و اجرا و در مقابل جرایم سنگین مجازات حبس و خشن اعمال و اجرا گردد؛ چندان امنیت جامعه به هم نریخته و بیم ناامنی برای مردم جامعه به وجود نمی‌آید و ترس از به مخاطره افتادن امنیت دیگر وجود نخواهد داشت.

منابع

- اخلاقی، بهروز، (۱۳۷۹)، سخنی درباره آینده سرمایه‌گذاری در ایران (بررسی اجمالی علل و موانع پیشرفت)، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۴۷، ص ۱۰.
- اسدی، احمد، (۱۳۸۶)، پیش به سوی جایگزین‌های نوین: نقدی بر مجازات حبس، تهران، انتشارات کوهسار، چاپ اول.
- آشوری، محمد، (۱۳۸۲) جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول.
- بختیاری، سید مرتضی؛ شهری، غلامرضا، مظفری، احمد؛ حمیدیان، حسن، (۱۳۸۱)، واریسی جایگزین‌های مجازات زندان، مجله حقوقی دادگستری، ش ۳۸، ص ۲۵-۶۸.
- بکاریا، سزار، (۱۳۸۴)، رساله جرایم و مجازات، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم.
- بکاریا، سزار، (۱۳۸۴)، رساله جرایم و مجازات، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم.
- بولک، برنار، (۱۳۸۶)، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات مجد، چاپ هفتم.
- تدین، عباس، (۱۳۸۷)، نظارت الکترونیک: گامی به سوی جایگزین زندان، مجله حقوقی دادگستری، ش ۶۴، ص ۵۶.
- توانایان فرد، حسن، (بی تا)، موانع پیشرفت اقتصادی در کشورهای جهان سوم، انتشارات حامد، چاپ اول.
- حاجی تبار فیروزجایی، حسن، با دیباچه علی صفاری، (۱۳۸۶)، جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات فردوسی.
- دانایی فرد، حسن و آذر، عادل، صالحی، علی، (۱۳۸۸)، قانون‌گریزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی-فرهنگی، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، ش ۴۴-۷-۶۵.
- دانش، تاج زمان، (۱۳۶۸)، حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول.
- رضایی، محمد، (۱۳۸۴)، میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۲۳.
- صالحی امیری، سید رضا، (۱۳۸۸)، مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، تهران، نشر ققنوس، چاپ دوم.
- صفاری، علی، (۱۳۸۶)، کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر)، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.

- طاهری، سمانه، (۱۳۹۲)، سیاست کیفی سخت‌گیرانه، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- عابدی نژاد مهرآبادی، زهرا، (۱۳۸۶)، زمینه‌های اجرایی اجرای مجازات اجتماعی، مجله حقوقی عدالت آراء، ش ۸.
- فریدمن، دیوید؛ (۱۳۸۰)، حقوق و اقتصاد، مجله اقتصادی، ترجمه پیمان شاد فر، ش ۲، ص ۴۳.
- قربان نیا، ناصر، (۱۳۷۷)، فلسفه مجازات، مجله نقدونظر، ش ۱۵ و ۱۶.
- گلاب‌چی، محمد، (۱۳۸۳)، جایگاه انتخابات در فرایند سیاسی، مجله مصباح، سال سیزدهم، ش ۵۳، ص ۷۰.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا؛ مقدادی، لیلا، (۱۳۸۴)، کیفرشناسی نوین یا کیفی‌های اجتماعی (تجربه ایران و دنیای معاصر)، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
- مسعودنیا، حسین؛ نجفی، داوود، (۱۳۹۰)، احزاب و توسعه سیاسی در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها، مجله پژوهش‌های سیاسی، ش ۲، ص ۱۲۳.
- یزدیان جعفری، جعفر، (۱۳۹۱)، چرایی و چگونگی مجازات، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

